



از مدرنیته تا پست مدرنیسم؛ نقش اندیشه دریدا در تحولات فلسفی

پژوهشگر فلسفه غرب معتقد است؛ در تفکر یهودی، خدا همان قدر مهم است که انسان مهم است...

پژوهشگر فلسفه غرب معتقد است؛ در تفکر یهودی، خدا همان قدر مهم است که انسان مهم است که البته ما در فلسفه اسلامی آن را قبول نداریم؛ در تفکر یهودی دست خدا بسته است و خدا اختیار عالم را به آن ها واگذار کرده است؛ لذا خودشان را در کنار خدا می دانند نه به عنوان یک بنده خدا و این اندیشه در دریدا برجسته است.

ارسال/ برجسته بودن اندیشه یهودی در دریدابه گزارش ایکن، مرتضی جدی؛ مدرس و پژوهشگر دانشگاه فردوسی مشهد، شامگاه اول مهرماه در نشست دوم از سلسله نشست های «پروژه فکری فیلسوفان معاصر» با بیان اینکه یکی از مهمترین کسانی که در زمینه اندیشه دریدا فعالیت کرده و برخی آثار او را ترجمه کرده است مهدی پارسا است، گفت: ایشان دانش آموخته و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی بوده است و در حال حاضر احتمالا در خارج کشور حضور دارند؛ کتاب «فروید و صحنه نوشتار» نوشته دریدا است که ترجمه شده و در واقع بیانگر تأثیرپذیری فرویدی از دریدا است. «فرهنگ واژگان دریدا»، «واقع گرایی دریدا و چگونه دریدا بخوانیم» از دیگر آثار در این زمینه است.

وی با اشاره به کتاب دریدا و فلسفه ترجمه مهدی پارسا، اضافه کرد: این کتاب به عناصر بسیار مهمی از فلسفه دریدا می پردازد و کتاب بسیار خوبی برای مطالعه است؛ کتاب دیگر هم «ژاک دریدا» و «متافیزیک حضور» نوشته محمد ضیمران است که تأثیرپذیری دریدا از هایدگر و هوسرل را به خوبی بیان کرده است. کتاب دیگر در این زمینه هم نوشته بابک احمدی با عنوان «ساختار و تاویل متن» است که بخشی از آن به دریدا اختصاص دارد و در زمان خودش کتاب خوبی بوده است. کتاب «درباره گراماتولوژی» هم از دیگر آثار خوب در این عرصه نوشته مهدی پارسا است.

کارشناس ارشد فلسفه غرب دانشگاه فردوسی مشهد، با بیان اینکه «تنگناها»، دیگر کتاب دریدا است که ترجمه شده است، اضافه کرد: «درباره روح» هم از دیگر آثار دریدا است و در این کتاب درباره نپرداختن هایدگر به دروغ می پردازد.

اهمیت مطالعه اندیشه دریدا

وی با اشاره به چرایی و اهمیت خواندن دریدا، اظهار کرد: ما چه بخواهیم و چه نخواهیم در دوره پسامدرن زندگی می کنیم هرچند جامعه ایرانی به نظر بنده در سنت مدرنیته باقی مانده است اما افراد آگاه و هوشیار و متفکر هستند متوجه می شوند پست مدرنیسم بر اعتقادات و زندگی مردم تسلط دارد و شیوه اثبات گرایانه سابق در حال از بین رفتن است، مثلا اکنون در فلسفه اگر بگوییم جوهر چیست و ... ابتدا باید ثابت کنیم جوهر، وجود دارد یا در هر رشته ای وقتی ادعایی مطرح می شود ابتدا باید آن را اثبات کنیم. اندیشه پست مدرن یک معنای واحد برای همه در نظر ندارد ضمن اینکه هیچ انگار است یعنی ما به سوی غایتی پیش نمی رویم و همه چیز در یک هیچ وجود دارد و چیزی که معنا دارد وجود ما هست. پست مدرن ها قائل به این هستند که اندیشه شخصی وجود ندارد یعنی فرد نمی تواند بگوید من صرفا اندیشه خودم را بیان می کنم چون در یک ساختار و بافت اندیشه می اندیشد.

جدی، با بیان اینکه دریدا نقش بزرگی در شکل گیری این اندیشه ها داشته است خصوصا در نسبی گرایی، در صورتی که خودش هم خیلی قائل به آن نبوده است، اضافه کرد: دریدا پست مدرنیسم را تقویت کرده است و در حقیقت تلاش کرده است ساختارهای مدرن را از بین ببرد و به یک سیالیت در معنا برسد. مبنای فلسفه دریدا، بدون مبنایی است؛ یعنی هیچ معنای محصلی در جهان وجود ندارد. تعبیری وجود دارد که «هرگز نگو هرگز» مبنای فلسفه دریدا هم این گونه است. وقتی ما بگوییم اندیشه دریدا یعنی این مبنا در حقیقت خلاف اندیشه دریدا است.

جدی، با بیان اینکه سه عنصر مهم، وازسازی، تفاوت و متافیزیک حضور در فلسفه دریدا وجود دارد، تصریح کرد: این سه در کنار هم، در اندیشه وی معنا دارد و نمی توان گفت کدامیک بر دیگری تقدم دارد. دکارت، حقیقت را به سه جوهر برگرداند. جوهر خدا، ذهن و امتداد؛ یعنی انسانی هست که در مقابل جهان به تفکر نشسته است، دکارت که نتوانست بگوید ارتباط ذهن و جهان خارج چگونه است اما گفت؛ یک من اندیشنده وجود دارد؛ کانت هم چرخش معرفتی را به این شیوه بیان می کند که، در مورد جهان خارج نمی توان صحبت کرد.

مدرس دانشگاه فردوسی مشهد، با بیان اینکه در فلسفه تحلیلی، موضوع اصلی معناست، تصریح کرد: در این اثنا ما با پدیدارشناسی مواجهیم که قصد دارد که از یک رویکرد خدا و انسان که رویکرد قدیمی است بگذریم و به یک رویکرد دکارتی برسیم؛ در پدیدارشناسی ما با در پراتز قرار دادن جهان زیسته به ماهیت اشیاء می‌رسیم. در پست مدرنیسم هم جریاناتی چون فمینیسم ایجاد شد که دریدا در آن نقش داشته است؛ دریدا نمی‌گوید تقابل‌ها از بین برود، مثلاً زن و مرد را کاملاً از بین ببریم و فقط از انسان سخن بگوییم؛ بلکه تقابل‌ها باید در وزنی مساوی قرار بگیرند؛ یعنی نوشتار همان قدر مهم است که گفتار و گفتار همان قدر مهم است که نوشتار، جوهر و عرض هم.

پژوهشگر فلسفه معاصر تأکید کرد: در تفکر یهودی خدا همان قدر مهم است که انسان مهم است، البته ما در فلسفه اسلامی آن را قبول نداریم؛ در تفکر یهودی دست خدا بسته است و اختیار عالم را به آن‌ها واگذار کرده است؛ لذا خودشان را در کنار خدا می‌دانند نه به عنوان یک بنده خدا و این اندیشه در دریدا برجسته است.

پرداختن به حاشیه‌ها

جدی اضافه کرد: دریدا بسیار به حاشیه‌ها می‌پردازد؛ او در دوره‌ای زندگی می‌کرد که یهودیان دچار محرومیت زیاد شدند لذا به حاشیه‌ها در کنار مسائل اصلی حساسیت زیادی پیدا کرد. بعد از این مقدمه به واسازی می‌رسیم؛ واسازی به معنای پیاده کردن و خراب کردن است؛ در تفکر هایدگر، به معنای تخریب است؛ پژوهشگران این عرصه صریحاً بیان کرده‌اند دریدا هم واسازی را از هایدگر وام گرفته که همان دوباره سازی و ساختارشکنی و ... است.

این پژوهشگر فلسفه، با بیان اینکه واسازی دریدا از جنس تخریب نیست، گفت: دریدا به تخریب از درون معتقد است و هر چیزی که بخواهد معنای محصلی داشته باشد کنار بزند و این معنا را با اجزای دیگری معنای تازه ببخشد. دریدا اساساً به چیزی به عنوان بیرون و پایان معتقد نیست؛ یعنی ما چیزی تمام شده نداریم که کنار بگذاریم و از بیرون به آن بنگریم، مثلاً تاریخ را یا یک کتاب را. او به نوشتار معتقد است؛ یعنی ما در یک روندی هستیم که با نوشتن یک کتاب و یک مقطع تاریخی به یک پایان موقت رسیده‌ایم. ما دائماً در درون تاریخ قرار داریم و از بیرون نمی‌توانیم به آن بنگریم.

جدی بیان کرد: دریدار با واسازی به این مطلب می‌رسد که ما معنای از پیش تعیین شده در جایی نداریم؛ اگر ما بگوییم درخت چیست و بعد بگوییم وجودی با تنه چوبی و ساقه و ...؛ این تعریفی کلاسیک از درخت است ولی واسازی در مورد چیستی نیست و شیوه و روش هم نیست؛ دریدا معتقد است ما باید واسازی را هم واسازی کنیم؛ ما به هر هسته مرکزی که برسیم باز قابل تعریف است. واسازی او نقد به معنای کانتی و ادبیاتی نیست؛ زیرا خودش دائماً واسازی می‌شود.

مرتضی جدی، با مقایسه معنای واسازی و ساختارگرایی، اضافه کرد: در ساختارگرایی، مکعب هویتی جدا از عناصر داخل آن است ولی در واسازی ما عنصری جدا از مکعب نداریم و تمام اجزا، جزء مکعب هستند. در فلسفه، ادبیات و اخلاق و ... هم می‌توان این موضع را اعمال کنیم؛ یعنی هیچ چیزی را عنصر اصلی در نظر نگیریم. چند سال قبل یک ساختمان مثلثی را در یکی از شهرها به عنوان معماری ساختارشکن درست کرده بودند در صورتی که واسازی، بی‌هدفی نیست بلکه هر چیزی در کنار چیز دیگر معنای جدید تولید می‌کند.

جدی، با اشاره به معنای تفاوت در اندیشه دریدا، بیان کرد: تفاوت یعنی، یک چیزی همان‌شئی نمی‌شود یعنی در تفاوت، این همانی نیست؛ دریدا می‌گوید وقتی ما کلمه‌ای را می‌شنویم می‌توانیم در وجود آن شک کنیم یعنی یک چیزی که من می‌شنوم و چیزی که در واقعیت وجود دارد.